

رهبر انقلاب در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره ملی شهدای امدادگر

تأکید کردند

ایستادگی مقابل وحشی‌گری‌ها در غزه، وظیفه همگانی

صفحه ۲

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ | ۱۷ دی‌القعده ۱۴۴۴ | ۱۵ بهمن ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۸ | ۴۳۱۷ صفحه | ۱۰۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

گفت‌وگوی «وطن امروز» با پدram پورامیری

کارگردان فیلم کم‌دی «صدام»

شوخی با هیولا

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4317 | THU.MAY.15, 2025 | ISSN:2008-2886

۱۴۰۰ سال و ۲۵۵ روز گذشت |

مذاکره کلید نیست

«وطن امروز» گزارش می‌دهد

چرا تصور لغو تحریم‌ها توسط آمریکا حتی در صورت تعطیلی برنامه هسته‌ای غیرواقع‌بینانه است

شدن به الگویی برای رفتار سایر کشورها را دارد. این موضوع نه یک تحلیل، بلکه یک نگرش واقع‌بینانه و برساخته از فهم درست و دقیق از ماهیت آمریکا و استراتژی این کشور در مواجهه با کشورهایی است که در تعریف نظام سلطه به عنوان کشورهای نامطلوب شناخته می‌شوند.

باید پذیرفت متأسفانه در میان بخشی از سیاسیون و تصمیم‌گیران و همین‌طور بخش قابل ملاحظه‌ای از افکار عمومی ایران، یک تصور غلط و توافقی با ایران است. اگرچه افکار عمومی به وضوح بدعهدی آمریکا در مذاکرات شکل گرفته است. اگرچه پس از این بدعهدی در بدرستی فهم نکرده است. متأسفانه بخشی از مدیران و سیاسیون هوادار دولت حسن روحانی با طرح استدلال‌ها و ادعاهای نادرست، تلاش کرده‌اند اینگونه القا کنند که ریشه بدعهدی آمریکا و عدم انجام تعهدات برجانی خود، برخی اقدامات در ایران یا برخی سیاست‌های منطقه‌ای ایران بوده، در حالی که مطلقاً اینگونه نبوده است.

این قبیل سیاست‌بازی‌ها در واقع اینگونه نبوده است. نسبت به نگرش واقعی آمریکا به مذاکره و توافقی با ایران موثر بوده است. البته اکنون و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی ترامپ، بسیاری از مردم ایران نسبت به مذاکرات و اثربخش بودن توافقی احتمالی به دیده تردید می‌نگرند. نتایج برخی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد بیشتر از نیمی از کسانی که معتقدند مشکل مذاکرات از طریق مذاکره و توافقی با آمریکا حل می‌شود، اذعان کرده‌اند نسبت به انجام تعهدات طرف آمریکایی خودشان نیستند. یعنی با وجود اذعان به بدعهدی طرف مقابل اما همچنان طرفدار مذاکره هستند. دلیل اصلی این تناقض و تناقضاتی از این جنس، این است که در باور این افراد که بخش قابل توجهی از مردم ایران را شامل می‌شود، تنها راه غلبه بر تحریم‌ها، رفع آن و تنها راه رفع تحریم، مذاکره و توافقی است. در واقع این همان ذهنیت و تصور غلط نسبت به تحریم‌ها و مذاکرات و توافقی با آمریکاست. می‌توان گفت این ذهنیت غلط و البته فراگیر ناشی از ۲ چیز است:

۱- سیاست‌بازی برخی جریان‌ها که بنا به منافع جناحی خود، تنها راه‌حل فائق آمدن بر تحریم‌ها را لغو تحریم‌ها و راه لغو تحریم‌ها را مذاکره با آمریکا و تأمین مطالبات کاخ سفید عنوان می‌کنند.

۲- کم‌کاری منتقدان در تبیین واقعیت‌های مربوط به تحریم و رفتار آمریکا و تشریح راه‌حل‌های جایگزین یعنی خنثی‌سازی تحریم‌ها، به عبارتی ضعف در اقناع عمومی نسبت به راهبرد خنثی‌سازی تحریم‌ها، به عبارت دقیق‌تر، در ایران ۲ دیدگاه و ایده نسبت به حل مشکلات تحریم و اثرات و آسیب‌های آن برای اقتصاد کشور وجود دارد.

ادامه در صفحه ۸

ایران از مواهب آن برخوردار نشود. همان‌گونه که گفته شد، آنها نه تنها از انجام تعهدات و تکالیف برجانی خود سر باز زدند، بلکه با تعبیه مکانیسم ماشه، شرایط را برای خروج به ظاهر قانونی از برجام آماده کرده بودند. ترامپ با خروج آمریکا از برجام این همه برنامه‌ریزی‌های دولت اوپاما را نقش بر آب کرد. اکنون در دولت ترامپ نیز قاعدتا نگرش به مذاکرات و توافقی احتمالی با ایران تا حدود زیادی مشابه همانی است که در دولت اوپاما انجام شد. ترامپ نیز همانند اوپاما از برداشتن تحریم‌ها در ازای برچیده شدن برنامه غنی‌سازی ایران می‌گوید. اما برآوردهای واقع‌بینانه می‌گوید او نیز همانند اوپاما، به مذاکرات و توافقی احتمالی با ایران صرفاً به عنوان یک سازوکار کم‌هزینه برای تعطیل کردن برنامه هسته‌ای ایران نگاه می‌کند و نه یک راهکار دیپلماتیک برای رسیدن به یک معادله برد- برد. قاعدتاً در مقایسه با دولت آمریکا مشهود است، شخصیتی ترامپ باعث می‌شود بدعهدی دولت آمریکا در اجرای تعهدات خود محتمل‌تر باشد. تا همین جا که مذاکرات فعلاً در مراحل ابتدایی خود است، تغییر رفتار دولت آمریکا مشهود است. در حالی که آنها در ۳ دور مذاکره با ایران، اصل غنی‌سازی در ایران را پذیرفته بودند اما ناگاه زیر میز زدند و خواستار تعطیلی و برچیده شدن کل برنامه غنی‌سازی ایران شدند. تفاوت اوپاما و ترامپ در همین است که ترامپ بدعهدی و تغییر موضع آمریکا را به شکل اگرچه‌ای انجام می‌دهد اما دولت اوپاما، بر اساس یک برنامه از پیش طراحی‌شده، مطالبات خود را در دل مذاکرات و از طریق تقسیم وظایف با دیگر بازیگران مانند ۳ کشور اروپایی مطرح می‌کرد. بر همین اساس، با توجه به ویژگی‌های شخصیتی ترامپ، نیز نگرش واقعی دولت آمریکا، بسیار ساده‌لوحانه است اگر تصور شود دولت آمریکا در قبال انجام مطالبات خود توسط ایران، همه تحریم‌های ایران یا حتی بخشی از تحریم‌های مهم را لغو می‌کند. دلیل این موضوع نیز همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، به نگرش آمریکایی‌ها نسبت به مذاکرات و توافقی و به طور کلی مساله ایران هسته‌ای بازمی‌گردد. آنها به مذاکرات و توافقی با ایران به چشم سازوکاری برای برچیدن برنامه هسته‌ای ایران و برطرف کردن نگرانی خود در قبال هسته‌ای شدن ایران، بدون اینکه ایران از مواهب آن برخوردار نشود، چشم‌پوشی می‌کنند و حاضر نیستند تحت هیچ شرایطی این اهرم فشار بر ایران را از دست بدهند. رفتار دولت اوپاما در قبال برجام نیز دقیقاً از همین نگرش نشأت گرفته بود. آنها برجام را به عنوان سازوکاری برای تعطیلی بخش مهمی از برنامه هسته‌ای ایران می‌دیدند که در ازای آن نیز

هسته‌ای را داراست. تصور کنید کشوری که طی ۵ دهه تحت فشار بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های آمریکا و متحدها است و آمریکایی‌ها این کشور را به عنوان یکی از دشمنان اصلی خود معرفی کرده‌اند، حالا پس از نزدیک ۵ دهه تحمل انواع فشارها و دشمنی‌های آمریکا، تبدیل به یک قدرت بالقوه هسته‌ای شده است. همان‌گونه که گفته شد، این وضعیت باعث شده هژمونی و نظم آمریکایی به صورت جدی به چالش کشیده و اعتبار آن مخدوش شود. نگرانی جدی آمریکایی‌ها تبدیل ایران به یک الگو و نمونه برای سایر کشورهاست. به همین دلیل آمریکایی‌ها ایران هسته‌ای را یک خطر هژمونیک برای خود تلقی می‌کنند. ایده‌های آمریکایی‌ها در دولت‌های مختلف برای نحوه مواجهه با ایران و رفع این نگرانی نیز بر اساس همین نگرش مطرح شده است. هدف اصلی آنها حل مساله هسته‌ای ایران به گونه‌ای است که نه تنها تبدیل به یک الگوی سایر کشورها نشود، بلکه تا حد ممکن تبدیل به یک عبرت برای سایرین شود. آمریکایی‌ها در ۲ دهه گذشته برای حل مساله هسته‌ای ایران به ۲ راه‌حل رسیده‌اند؛ حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران و دیگری، از بین بردن برنامه هسته‌ای ایران از طریق مذاکره. راه اول اول به دلیل هزینه‌ها و تبعات آن، همواره از سوی مقامات واشنگتن مورد تردید قرار گرفته است. بویژه اینکه در کنار هزینه‌های نظامی و اقتصادی هنگفت و کارایی حمله نظامی برای برچیده شدن برنامه هسته‌ای ایران تردید دارند. کما اینکه در سال‌های اخیر بسیاری در آمریکا به این برآورد رسیده‌اند که با توجه به بومی شدن دانش هسته‌ای در ایران، حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران می‌تواند منجر به افزایش احتمال حرکت ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای شود. بنابراین از زمان دولت اوپاما، موضوع برچیده شدن برنامه هسته‌ای ایران از طریق مذاکره در دستور کار قرار گرفت. نگرش آمریکا به میز مذاکره در ماجرای برجام علنی شد. هدف آنها از مذاکره و توافقی با ایران، تعطیلی یا برچیده شدن بخش زیادی از برنامه هسته‌ای ایران بدون برخورداری ایران از مواهب این اقدام است. در این اقدام برخورداری از مواهب تبدیل آمریکایی‌ها نمی‌خواهد ایران از مواهب توقف یا تعطیلی بخش عمده‌ای از برنامه هسته‌ای خود برخوردار شود، جلوگیری از تبدیل ایران به یک الگوی رفتاری برای سایر کشورهاست. از سوی دیگر آمریکایی‌ها تحریم ایران را به عنوان سازوکاری برای تضعیف اقتصاد ایران تلقی می‌کنند و حاضر نیستند تحت هیچ شرایطی این اهرم فشار بر ایران را از دست بدهند. رفتار دولت اوپاما در قبال برجام نیز دقیقاً از همین نگرش نشأت گرفته بود. آنها برجام را به عنوان سازوکاری برای تعطیلی بخش مهمی از برنامه هسته‌ای ایران می‌دیدند که در ازای آن نیز

به بانک‌ها از سوی وزیر وقت خارجه آمریکا این پیام را نیز در بر داشت که بانک‌های بزرگ باید منتظر عواقب از سرگیری همکاری با ایران باشند.

در نهایت نیز چنین شد و با وجود امضای برجام، بانک‌های معتبر دنیا همکاری‌های خود را با ایران از سر نگرفتند. موضع‌گیری ماندگار و عبرت‌آموز ولی‌الله سیف، رئیس کل وقت بانک مرکزی که درباره وضعیت اجرای تعهدات آمریکا عبارت «تقریباً هیچ» را به کار برده بود، توصیف دقیقی از رفتار آمریکا نسبت به تعهدات خود بود. این رفتار جان کری یکی از مصادیق بود که به وضوح نشان می‌داد می‌کردند. حتی حسن روحانی و محمودجواد ظریف نیز در چندین نوبت اذعان کردند بدعهدی درباره برجام، از دولت اوپاما شروع شد.

بعدها رسانه‌های آمریکایی فاش کردند تیم مذاکره‌کننده آمریکا در دولت باراک اوپاما، اساساً نگاه‌ی متفاوتی از آنچه برخی در ایران تصور می‌کردند نسبت به برجام داشت. دولت اوپاما اساساً به برجام به عنوان یک توافق دوطرفه و بر مبنای حسن‌نیت در اجرای تعهدات فی‌مابین نگاه نمی‌کرد. کما اینکه بعدها مشخص شد آمریکایی‌ها به دنبال این بودند به بهانه‌های مختلف از برجام خارج شوند. برای این کار حتی مکانیسم ماشه را در برجام تعبیه کرده بودند تا خروجی به ظاهر قانونی از برجام تبدیل باشند! اما پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات و اقام ناشیانه او در خروج یکجانبه از برجام، نقشه‌های آنان را به هم ریخت. مروری بر انتقادات دولت اوپاما به این اقدام ترامپ نشان می‌دهد اساساً دلخوری آنها از ترامپ به خاطر خروج از برجام نبود، بلکه به خاطر نحوه خروج از برجام بود. به هر حال این تجربه مهم برجام نشان داد تصور پابندی آمریکا به هر نوع توافقی با ایران، ناشی از عدم فهم واقعیات مربوط به آمریکا و همین‌طور ساده‌لوحی نسبت به ماهیت دولت‌های آمریکایی بود. این تجربه یعنی بدعهدی آمریکا در اجرای تعهدات خود که منجر به افزایش بی‌اعتمادی مردم ایران نسبت به مقامات این کشور شده، البته باعث شد یک ادراک مهم و واقعی نسبت به رفتار این کشور و همین‌طور نحوه نگرش واشنگتن نسبت به موضوع هسته‌ای ایران، در کشور ایجاد شود. واقعیت این است که آمریکایی‌ها نسبت به دانش و توان هسته‌ای ایران بسیار نگرانند. ایران هسته‌ای در واقع این هم در این سطح از برخورداری دانش و تکنولوژی هسته‌ای، یک آسیب جدی به هژمونی آمریکا در دنیا و اصطلاحاً نظم آمریکایی وارد کرده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی که آمریکایی‌ها ۴۶ سال از در تخصص با آن وارد شده‌اند و به زعم خودشان یک کشور ناسازگار با معادلات جهانی بر ساخته نظم آمریکایی است، زیر فشار شدیدترین تحریم‌ها و دشمنی‌ها، حالا یکی از پیشرفته‌ترین کشورها در حوزه هسته‌ای است. ایران هسته‌ای در واقع برهم زنده همه معادلات بر ساخته نظم آمریکایی است و هژمونی آمریکا را به چالش کشیده است. بر اساس ادعاهای مقامات آمریکایی و صهیونیستی، توان هسته‌ای ایران به گونه‌ای است که قابلیت ساخت چندین کلاهک

گزارش

امیر عباس نوری

دور چهارم مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکا برگزار شد و بر اساس روایت طرفین، مذاکرات رو به جلو بوده است، بویژه اینکه پس از ۳ دور مذاکره، این بار، بخش زیادی از دور چهارم مذاکرات به مسائل فنی اختصاص داشت. البته منظور از مسائل فنی، موضوع غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران و اعلام نظرات طرفین نسبت به این موضوع است. بر اساس شواهد موجود و همین‌طور اخبار جسته و گریخته‌ای که از مذاکرات به گوش می‌رسد، هنوز به شکل جدی، مساله تحریم‌ها و فرایند لغو تحریم‌ها، آنگونه که مطلوب ایران است، مورد بحث و گفت‌وگو قرار نگرفته است.

طی یک ماهی که از مذاکرات ایران با دولت دونالد ترامپ می‌گذرد، به مرور تردیدها نسبت به مذاکرات و اثربخش بودن آن بیشتر شده است. هم ترامپ و هم استیو وینکاف، مسؤول تیم مذاکره‌کننده آمریکایی و هم امثال مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، بعضاً مواضع غیرسازنده‌ای درباره مذاکرات مطرح می‌کنند. شاید برخی معتقد باشند مواضع تیم ترامپ صرفاً مصرف داخلی دارد و برای مدیریت مواضع مخالفان در داخل و خارج از آمریکا مطرح می‌شود اما واقعیت آن است که با مشاهده و بررسی تردیدهایی جدی درباره اثربخش بودن مذاکرات، رسیدن به توافقی ایجاد شده است.

ایران در حالی دور جدید مذاکرات با آمریکا را آغاز کرده که یک تجربه مهم و گرانتقد از ماجرای برجام دارد. در برجام، بدعهدی دولت دموکرات آمریکا کاملاً مسجل شد. با آنکه تیم مذاکره‌کننده ایرانی در اشتباهی فاحش، پذیرفت همه تعهدات ایران قبل از آغاز اجرای تعهدات طرف مقابل اجرا شود اما به مرور مشاهده شد طرف آمریکایی از انجام تعهدات برجانی خود طفره می‌رود. یکی از مهم‌ترین بدعهدی‌های آمریکا در موضوع رفع تحریم‌های بانکی نمود پیدا کرد. در برجام تصریح شده بود تحریم‌های بانکی لغو شده و بانک‌های معتبر جهان روابط بانکی خود را با ایران از سر بگیرند و آمریکا نیز در مسیر از سرگیری همکاری‌های بانکی دنیا با ایران سنگاندازی نکند اما دولت اوپاما به صورت خیلی واضح از اجرای این تعهد برجانی سر باز زد. چند ماه پس از امضای برجام، روسای چند بانک بزرگ اروپایی جلسه‌ای با جان کری در لندن برگزار کردند. موضوع این جلسه، اخذ تضمین از آمریکا برای عدم جریمه بانک‌هایی بود که مراودات بانکی خود را با ایران از سر می‌گیرند. این جلسه چندین ساعت طول کشید اما در نهایت جان کری از ارائه تضمین به این بانک‌ها برای همکاری با ایران طفره رفت. در واقع آمریکا یک مانع بزرگ بر سر راه لغو تحریم‌های بانکی ایران گذاشت. عدم تضمین جان کری، یک معنی دیگر نیز داشت. او با ندادن تضمین به بانک‌های بزرگ اروپایی، این پیام را رساند که دنیا مقاد برجام بویژه انجایی را که به تعهدات آمریکا مربوط است، جدی نگیرند. ضمن اینکه عدم تضمین

تیتیر های امر وز



تحلیلی درباره اظهارات ضدایرانی ترامپ در عربستان

عملیات روانی سخیف

صفحه ۲

غیبت سؤال برانگیز ملک سلمان در سفر ترامپ به عربستان

پادشاه سعودی کجا بود؟

صفحه ۷

۳۱۶ ضمیمه طنز راه‌راه

نقشه واقعی جهان را به دست ترامپ برسانید

پتروپالایشگاه‌ها زود باز ده‌ترین سرمایه‌گذاری برای تولید

یادداشت

محمدکاظم انبارلویی

۱- حضرت امام خامنه‌ای در دیدار کارگران فرمودند: «خرید جنس تولید داخل کمک به کارگر و سرمایه‌گذار ایرانی است اما خرید نوع خارجی آن در واقع کمک به کارگر و سرمایه‌گذار خارجی و خلاف انصاف و انسانیت است.»

بخش خصوصی ایران اکنون در ۹ کشور مشغول پالایشگاه‌سازی است.

دولت نیز در ۲ کشور خارجی به همین کار تحت عنوان صادرات فنی - مهندسی مشغول است. سؤال کلیدی این است: در حالی که دولت در ۲ سال گذشته بیش از ۵ میلیارد دلار بنزین وارد کرده است، آیا درست است به جای پالایشگاه‌سازی در داخل برود بنزین وارد کند؟! ۲-مدیرعامل شرکت پخش و فرآورده‌های نفتی اخیراً اعلام کرد ساخت پتروپالایشگاه شهید سلیمانی به دلیل عدم پیشرفت فعلاً منتفی شده و اولویت با طرح‌های دیگر است! وی افزود: «این پروژه بیشتر از ۲۰۰ درصد پیشرفت نداشته که آن هم مربوط به دریافت مجوزها و زمین تخصیصی به این طرح است.»

ساخت پالایشگاه عظیم خلیج فارس با ۴ میلیارد دلار انجام شد. چه چیز مانع پالایشگاه‌سازی در ایران برای دوری از خام‌روشی نفت است؟ پول داریم ۵ میلیارد دلار بنزین وارد کنیم اما پول نداریم پالایشگاه بسازیم؟ چرا کشوری که بیش از یکصد سال سابقه صنعت نفت دارد باید برود از خارج بنزین وارد کند اما برخی کشورها که نفت وارد می‌کنند یکی از صادرات آنها فرآورده‌های نفتی و بنزین است؟! ۳- گاهی از برخی مسؤولان شنیده می‌شود قیمت تمام‌شده هر لیتر بنزین ۴۵ هزار تومان است اما ما آن را ۱۵۰۰ و ۳ هزار تومان می‌فروشیم. اگر این گزاره درست باشد باید پالایشگاه‌های کشور همه ورشکسته شده باشند در حالی که صورت‌های مالی آنها نشان می‌دهد هر کدام بالای ۵۰ همت سود می‌کنند. کدام سرمایه‌گذار در جهان پیدا می‌کند جنسی را ۴۵ هزار تومان تولید کند و ۳ هزار تومان بفروشد و بنگاه اقتصادی او نه تنها زیان‌ده و ورشکسته نباشد بلکه سود هم بدهد؟! این از عجایب روزگار ماست که حتی آدم اسمیت هم در خواب نمی‌تواند آن را ببیند!

۴- خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله رفسنجانی را یک وقت در نماز جمعه گفت: «کشورهای واردکننده نفت به اندازه کشورهای صادرکننده نفت درآمد دارند. چون از نفت وارداتی ۱۰۰ درصد مالیات می‌گیرند لذا اندازه کشورهای صادرکننده درآمد دارند.»

ادامه در صفحه ۶